

## بررسی باستان‌شناسی قلعه ایرج ورامین؛ تاریخ‌گذاری و کاربری

سید مهدی موسوی‌نیا\*

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران

محمدرضا نعمتی

استادیار پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی

(از ص ۱۸۹ تا ۲۰۸)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۰۳/۳۰؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۵/۱۰/۱۹

### چکیده

قلعه ایرج، با حدود ۱۹۰ هکتار وسعت، یکی از محوطه‌های تاریخی مهم ایران در دشت تهران است. تاکنون مطالعات پراکنده‌ای راجع به این محوطه انجام پذیرفته که هیچ‌گاه نتوانسته است آن‌چنان‌که باید، ابعاد تاریخی و باستان‌شناسی قلعه ایرج را شناسایی کند. تمامی مطالعات پیشین، تنها بر مشاهده داده‌های سطحی محوطه و بقایای معماری حصار مبتنی بوده است؛ از این‌رو، نمی‌توان با اطمینان درخصوص برخی از ابعاد باستان‌شناسی قلعه ایرج، اظهارنظر دقیقی ارائه داد؛ از جمله این‌که، قلعه ایرج در چه برهه‌ای از تاریخ ایران ساخته شده و به‌واقع چه کاربری‌ای داشته است؟ در نوشتار حاضر تلاش می‌شود با تحلیل داده‌های باستان‌شناسی یافت‌شده از بررسی‌ها و کاوش محوطه به همراه متون تاریخی منطقه، ضمن فهم بهتر قلعه ایرج در بافت تاریخ دشت تهران، به دو پرسش کلیدی محوطه، «تاریخ» و «کاربری» قلعه ایرج، پاسخ داده شود.

**واژه‌های کلیدی:** قلعه ایرج، بررسی باستان‌شناسی، تاریخ‌گذاری، کاربری، تصاویر ماهواره‌ای

---

\* رایانامه نویسنده مسئول مقاله: [M.mousavinia@ut.ac.ir](mailto:M.mousavinia@ut.ac.ir)

## ۱. مقدمه

با وجود اهمیت باستان‌شناسی دشت تهران در دوران تاریخی، تاکنون مطالعات محدودی درباره این حوزه فرهنگی در این برهه از تاریخ ایران انجام گرفته است. ایالت ری، با جغرافیای استراتژیک آن در قلب ایرانشهر، و در کنار یکی از مهم‌ترین شاهراه‌های ارتباطی دنیای باستان، واقع شده است. این موقعیت جغرافیایی، بالقوه می‌توانسته است در شکوفایی ایالت ری مؤثر واقع شود. وجود محوطه‌های مهمی از دوره تاریخی ایران در دشت تهران، همچون چال‌ترخان، تپه میل، تپه طالب‌آباد، دژ رشکان و قلعه ایرج، تلویحاً جایگاه برجسته ایالت ری در این برهه از تاریخ ایران را نشان می‌دهد. با این حال، هیچ‌گاه آن‌چنان‌که باید، تاریخ و باستان‌شناسی ایالت ری در دوره تاریخی ایران شناسایی و بازسازی نگردیده است. یکی از محوطه‌های مهمی که بالقوه می‌تواند ما را در فهم بهتر اهمیت ایالت ری در این برهه از تاریخ ایران یاری رساند، قلعه ایرج ورامین است. این محوطه، با مساحتی بالغ بر ۱۹۰ هکتار وسعت، در فاصله حدود دو کیلومتری شمال شرقی شهر ورامین، در جنوب شرقی دشت تهران واقع شده است. قلعه ایرج، وسیع‌ترین محوطه محصور دشت تهران و یکی از مهم‌ترین محوطه‌های تاریخی ایران محسوب می‌شود. بخش عمده‌ای از این اهمیت، در وسعت محوطه و ساختارهای معماری گسترده داخل حصار آن نمود یافته است. با وجود این‌که تاکنون مطالعات پراکنده‌ای راجع به قلعه ایرج انجام گرفته، هیچ‌یک از این مطالعات نتوانسته است به طور شایسته‌ای در فهم ما از اهمیت محوطه و چالش‌های باستان‌شناسی آن، مؤثر واقع شود. مطالعات باستان‌شناسی صورت‌گرفته در این محوطه، تنوعی از تناقض را، چه درباره تاریخ ساخت محوطه و چه راجع به کاربری آن بازتاب داده است. برخی آن را با ورنه چهارگوش (Varena) ذکر شده در وندیداد یکی دانسته‌اند و برخی درون آن، شهر پیش از اسلام ری را جستجو کرده‌اند؛ برخی آن را قلعه‌ای از دوره اشکانی، ساسانی و یا اسلامی ذکر کرده‌اند و برخی حتی گمان برده‌اند قلعه ایرج، شکارگاهی از دوره ساسانی بوده است. به‌روروی، بخش عمده‌ای از این تناقض، ناشی از (۱) عدم بررسی دقیق محوطه و (۲) مبتنی‌بودن این فرضیات «صرفاً» بر پایه داده‌های یافت‌شده در بررسی سطحی محوطه بوده است. داده‌هایی که می‌توان در آنها، تنوعی از تاریخ را از مس‌سنگی و عصر آهن گرفته تا ساسانی و سلجوقی و ایلخانی، مشاهده کرد. تنوعی که تاکنون، هیچ‌گاه در کاوش‌های باستان‌شناسی صورت‌گرفته در محوطه نمود نیافته است.

بررسی داده‌های به‌دست‌آمده از بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی قلعه ایرج، بررسی دقیق بقایای معماری حصار، بررسی سیستماتیک درون محوطه، استفاده از متون تاریخی ایالت ری و استفاده از تصاویر ماهواره‌ای نفوذ به زمین قلعه ایرج، رویکرد نوشته حاضر در پاسخ به پرسش‌های باستان‌شناسی این محوطه است. این پرسش که قلعه ایرج، در چه برهه‌ای از تاریخ ایران ساخته، استفاده و در نهایت متروک شده است؟ و اینکه این محوطه، با وسعت چشمگیر و ساختار معماری منحصربه‌فرد آن، به‌واقع چه کاربری‌ای داشته است؟ بدین‌منظور در ادامه تلاش می‌شود، ضمن اشاره به پیشینه پژوهشی صورت‌گرفته در قلعه ایرج، این محوطه به شکلی جامع، مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد و با کنار هم قراردادن یافته‌های باستان‌شناسی به‌دست‌آمده از بررسی‌ها و کاوش‌های صورت‌گرفته در قلعه ایرج، متون تاریخی منطقه و تحلیل تصاویر ماهواره‌ای نفوذ به زمین محوطه، راجع به تاریخ قلعه ایرج و کاربری آن گمانه‌هایی نسبی مطرح شود.

## ۲. پیشینه پژوهشی

پیش از اشاره به مطالعات باستان‌شناسی قلعه ایرج، ذکر این نکته ضروری است که از این محوطه، با دو نام کنونی آن قلعه ایرج و قلعه گبری، در نوشته‌های نویسندگان قبل و بعد از اسلام تا دوره قاجار، هیچ اشاره مستقیمی تاکنون یافت نشده است. مطالب ذکرشده درباره قلعه ایرج در متون دوره قاجار را نیز بیشتر می‌توان مطالعه‌ای باستان‌شناسی تلقی کرد تا اشاره‌ای تاریخی. اعتمادالسلطنه، از رجال سیاسی زمان ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۸۳۱-۱۸۹۶م)، اولین شخصی است که مستقیماً از قلعه ایرج نام برده و تلاش می‌کند با دیدی باستان‌شناسانه، به توصیف محوطه، بقایای معماری حصار و دیگر آثار باستان‌شناسی یافت‌شده در سطح محوطه بپردازد. وی همچنین تلاش کرده است به تاریخ‌گذاری محوطه بپردازد و راجع به کاربری قلعه ایرج، گمانه‌هایی مطرح کند؛ به اعتقاد وی، قلعه ایرج، همان ورنه چهارگوش ذکرشده در وندیداد است و بالغ بر دو هزار سال قدمت دارد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۸۱-۱۷۹). وی، هم‌چنین در مطالعه جداگانه‌ای خاطرنشان می‌سازد که احتمالاً قلعه ایرج می‌توانسته است همان شهرری پیش از اسلام بوده باشد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۱۱: ۳۴). ادعایی که کمی بعدتر، پیرنیا نیز آن را عنوان کرده و در این باب به‌اختصار می‌نویسد: «محل شهرری را در خرابه‌های قلعه ایرج کنونی و اطراف آن می‌دانند، که تقریباً در شش فرسنگی دربند دریای گرگان واقع است.» (پیرنیا، ۱۳۷۵: ۲۲۱۷)

در سفرنامه مارسل (۱۸۴۳-۱۹۲۰ م) و مادام «ژان دیولافوا» (۱۸۵۱-۱۹۱۶ م) نیز ضمن اشاره به ارگ ورامین، هم‌زمان به محوطه دیگری بدون ذکر اسم آن، اشاره می‌شود که با احتیاط می‌توان آن را با قلعه ایرج ورامین، یکی انگاشت. اگر به‌واقع چنین باشد، مادام به توصیف معماری حصار و بقایای معماری درون قلعه ایرج پرداخته و به نقل از همسرش مارسل، این محوطه را اردوگاه نظامی خندق‌داری از دوره ساسانی معرفی کرده است (دیولافوا، ۱۳۷۶: ۱۵۲-۱۵۱).

جرج کرزن نیز از محوطه دیدن کرده و ضمن ارائه توصیف کلی از محوطه، خاطرنشان می‌کند که: «این قلعه بعید است به روزگار خیلی دور تعلق داشته باشد.» (کرزن، ۱۳۸۰: ۴۶۶) پزار و بوندو نیز در ضمن بررسی دشت تهران در ۱۹۰۳، به قلعه ایرج اشاره می‌کنند. آنها در گزارش کوتاه این بررسی، ضمن ارائه پلانی کلی از محوطه در بافت محوطه‌های تاریخی منطقه، به توصیف معماری قلعه ایرج پرداخته‌اند و بدون ذکر تاریخ محوطه، کاربری آن را یک شهر و یا یک قلعه نظامی عنوان کرده‌اند (Pézar & Bondoux 1911: 61-63). سیلویا آن ماتسون نیز در کتاب راهنمای باستان‌شناسی ایران، به‌طور گذرا از قلعه ایرج نام برده و بدون ارائه دلیلی منطقی، آن را شکارگاهی از دوره ساسانی معرفی کرده است (Matheson 2001: 25). وی همچنین به نقل از هاینز لوشای، قلعه ایرج را قلعه‌ای از اوایل دوره اسلامی معرفی می‌کند (Ibid).

بازدید دو روزه ولفرام کلایس از قلعه ایرج و نوشتن مطلبی مستقل راجع به محوطه، یکی از جدی‌ترین مطالعات صورت‌گرفته درخصوص قلعه ایرج است. کلایس با تفصیل بیشتری به نسبت دیگر محققین، به تشریح محوطه پرداخته است. توصیف دقیق ویژگی‌های معماری قلعه ایرج و ارائه چندین بازسازی فرضی از برخی از بخش‌های محوطه، توصیف دقیق بقایای سطحی محوطه، و برای نخستین‌بار، صحبت از وجود سازه‌های معماری «احتمالی» در ضلع جنوبی حصار با استناد به طاق‌های بیرونی، بخشی از مطالعات باستان‌شناسی کلایس درباره قلعه ایرج است. وی در نهایت براساس بقایای معماری و قطعه سفال‌های درون

محوطه، قلعه ایرج را محوطه‌ای اشکانی-ساسانی می‌داند که تا دوره ایلخانی ادامه حیات داده است (Kleiss 1987: 289-307).

محمدرضا خلعتبری نیز در بررسی شهرستان ورامین در سال ۱۳۸۰، از قلعه ایرج بازدید کرده و ضمن توصیف کلی محوطه و ویژگی‌های معماری آن، بر اساس وجود قطعه سفال‌هایی از دوره اسلامی بر سطح محوطه، آن را «قلعه‌ای از دوره اسلامی» معرفی کرده است (خلعتبری، ۱۳۸۰: ۳۹۹-۳۹۷). دیگر مطالعات باستان‌شناختی قلعه ایرج در سال ۱۳۸۱ با عنوان «پروژه مستندسازی قلعه ایرج ورامین» توسط دفتر فنی سازمان میراث فرهنگی در معاونت حفظ و احیاء انجام گرفت که سرانجام، به ثبت قلعه ایرج در فهرست آثار ملی ایران در سال ۱۳۸۲ انجامید. در گزارش این بررسی، به توصیف تاریخ منطقه، توصیف بقایای معماری حصار و شواهد سطحی درون محوطه پرداخته شده و با گاه‌نگاری نسبی، از قلعه ایرج به‌عنوان یک شهر و یا قلعه‌ای از دوره اشکانی-ساسانی یاد شده است (فرزین، ۱۳۸۱: ۶۷-۱؛ اسکندری، ۱۳۸۵: ۹۰-۸۳).

کاوش‌های محمدرضا نعمتی از سازمان میراث فرهنگی استان تهران، فصل تازه‌ای در مطالعات باستان‌شناسی قلعه ایرج محسوب می‌شود. نامبرده، در طی دو فصل، در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۱ به کاوش در قلعه ایرج پرداخت. حفر دوازده گمانه آزمایشی در درون محوطه، هجده گمانه آزمایشی در بیرون حصار، کاوش در دروازه جنوب شرقی، مستندنگاری بقایای معماری حصار و بررسی اطراف محوطه تا شعاع حدود یک کیلومتری، بخشی از مطالعات باستان‌شناسی نعمتی در قلعه ایرج است (نعمتی، ۱۳۹۴). مبنای داده‌های نوشته حاضر، مطالعات باستان‌شناسی نامبرده در قلعه ایرج است که در ادامه، به تشریح و ارزیابی آنها پرداخته می‌شود.

### ۳. رویکرد تحقیق

به‌رغم اهمیت باستان‌شناسی قلعه ایرج، تاکنون مطالعات معدودی درخصوص این محوطه انجام‌گرفته است. دو پرسش مهم باستان‌شناسی محوطه، بحث تاریخ‌گذاری و کاربری قلعه ایرج، همچنان بدون پاسخ باقی‌مانده است. در این راستا، به‌منظور دستیابی به درکی منطقی از تاریخ ساخت، استفاده و در نهایت متروک‌شدن محوطه، و کاربری قلعه ایرج، تمامی داده‌های به‌دست‌آمده از بررسی‌ها و کاوش‌های صورت‌گرفته در محوطه، در راستای پاسخ به دو پرسش مهم باستان‌شناسی قلعه ایرج، مورد ارزیابی و تحلیل قرار خواهند گرفت. به‌علاوه، از متون تاریخی و تصاویر ماهواره‌ای نفوذ به زمین محوطه نیز، در کنار داده‌های باستان‌شناسی، در راستای درک بهتر قلعه ایرج و پاسخ به پرسش‌های باستان‌شناسی آن، استفاده خواهد شد.

### ۴. بررسی باستان‌شناسی قلعه ایرج

قلعه ایرج، در حدود دو کیلومتری شمال شرقی شهر ورامین، در مجاورت روستای عسگرآباد واقع شده است (تصویر 1a). دورتادور محوطه، حصار مربع-مستطیل، به ابعاد ۱۳۰۰×۱۴۷۰ متر وجود دارد. گوشه‌های این حصار، تقریباً منطبق با جهات مغناطیسی جغرافیایی است. در بررسی‌های صورت‌گرفته در داخل و اطراف محوطه، بقایای آثاری مشاهده شد که بر اساس مکان کشف آنها، می‌توان در سه مبحث، آثار درون محوطه، آثار بیرون محوطه و آثار داخل حصار را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد.

در بررسی‌های درون محوطه، قطعه سفال‌هایی از دوره مس‌وسنگ، عصر آهن، ساسانی، سلجوقی و ایلخانی یافت شده است. به‌علاوه، بقایای آجر، خشت و دو قطعه گچ‌بری تزئینی، در بخش غربی درون محوطه مشاهده شده است (Kleiss 1987: 304؛ فرزین، ۱۳۸۱: ۴۴؛ نعمتی، ۱۳۹۴). بقایای چهار رشته قنات نیز در بخش شرقی و غربی درون محوطه دیده می‌شود که حلقه چاه‌های هیچ‌یک از آنها در بیرون حصار ادامه نیافته است (تصویر 1b). در کاوش‌های انجام‌گرفته در درون محوطه نیز، تنها بقایای یک کف از جنس خاک کوبیده با زیرسازی قلوه‌سنگ در بخش شمال غربی درون محوطه، مشاهده شد (تصویر 1c). بر روی کف مذکور، قطعه سفال‌هایی از دوره ساسانی یافت شد (تصویر ۴، جدول ۱). در دیگر گمانه‌های درون قلعه ایرج، که تا خاک بکر محوطه نیز ادامه یافت، هیچ آثار معماری یافت نشد.

در بررسی‌های بیرون قلعه ایرج، همچون درون محوطه، قطعه سفال‌هایی از دوره مس‌وسنگ، عصر آهن، ساسانی، سلجوقی و ایلخانی مشاهده شد. به‌علاوه، یک محوطه سلجوقی-ایلخانی، در ضلع غربی بیرون حصار مشاهده گردید. در کاوش‌های صورت گرفته در بیرون حصار نیز، تنها قطعه سفال‌هایی از دوره مس‌وسنگ، در بخش غربی و جنوبی بیرون حصار، کشف شد.

علاوه بر بقایای معماری و قطعه سفال‌های فوق، که از کاوش و بررسی درون و بیرون محوطه یافت شد، ساختار حصار و بقایای معماری داخل آن، نیازمند بررسی و ارزیابی جداگانه‌ای است. امروزه، بخش‌های زیادی از حصار قلعه ایرج تخریب گردیده و فرسایش یافته است؛ با این حال، ارتفاع حصار در بخش‌های باقیمانده، ۱۵ متر و عرض آن در دروازه‌ها ۳۵ متر و در دیگر بخش‌های حصار، بین ۲۲-۱۵ متر است. حصار مذکور، بدون پی‌سازی، مستقیماً بر روی خاک سطحی محوطه ایجاد شده است (تصویر 1d) به نظر می‌رسد سازندگان قلعه ایرج، خاک موردنیاز برای ساخت حصار را، از حفر خندق بیرونی محوطه تأمین کرده‌اند که بر اساس بقایای برج‌های مانده امروزی، ۳۰ متر عرض و ۴ الی ۲۰ متر عمق دارد (Kleiss 1987: 290). کشف قطعه سفال‌هایی از دوره مس‌وسنگ در بخش چینه‌ای حصار، که احتمالاً در نتیجه حفر خاک بیرونی محوطه به داخل خاک‌های استفاده شده برای ساخت حصار وارد شده‌اند، این فرض را تقویت می‌کند. سفال‌هایی که نمونه‌هایی از آنها، در کاوش‌های بیرون حصار در بخش غربی و جنوبی، کشف شده بود. بر این اساس، شاید بتوان گمان برد محوطه‌ای از دوره مس‌وسنگ در اطراف قلعه ایرج وجود داشته است. محوطه‌ای که تاکنون، نمی‌توان با اطمینان مکان تقریبی آن را مشخص کرد.

حصار محوطه، از لحاظ ساختاری، از دو بخش چینه‌ای و خشتی تشکیل شده است (تصویر 1e). بخش چینه‌ای حصار که به‌صورت شیب‌دار ساخته شده است، بین ۱۵ تا ۲۲ متر عرض و بر اساس توپوگرافی زمین، بین ۶ تا ۷ متر ارتفاع دارد. بخش خشتی حصار، بر روی بخش چینه‌ای واقع شده و ۱۵ متر عرض و احتمالاً ۱۰ متر ارتفاع دارد. به نظر می‌رسد سازندگان قلعه ایرج، تعمداً بخش چینه‌ای تحتانی حصار را عریض و شیب‌دار ساخته‌اند تا پایه‌ای مستحکم برای ساخت‌وسازهای گسترده بر روی آن ایجاد کنند. آن‌گونه که امروزه از شواهد باستان‌شناسی حصار قابل مشاهده است، در بخش خشتی، برج‌های بیرونی، طاق‌هایی در حفاصل برج‌ها، یک راهرو سرتاسری و بقایای گسترده اتاق‌های یک‌اندازه وجود داشته است (تصویر 2a-2c). برج‌های مدور حصار، مشتمل بر ۱۴۸ برج، همچون ساختار حصار، از دو بخش چینه‌ای و خشتی تشکیل شده است. بخش چینه‌ای حصار به‌صورت شیب‌دار بوده و به‌طور متوسط بین ۸ تا ۱۲ متر قطر و ۶ تا ۷ متر ارتفاع دارد؛

بخش خشتی حصار نیز ۸ متر قطر و احتمالاً ۱۰ متر ارتفاع دارد. هر دو ساختار بخش چینه‌ای و خشتی برج‌ها، احتمالاً هم‌اندازه با بخش‌های چینه‌ای و خشتی حصار بوده و هم‌زمان باهم ساخته شده‌اند. بخش چینه‌ای، برخلاف بخش خشتی، پر بوده و تنها به‌عنوان پایه‌ای برای ساخت بخش خشتی محسوب می‌شده است. درون بخش خشتی، برخلاف بخش چینه‌ای خالی بوده و باوجود چندین تیرکش احتمالی، برای نگهبانی استفاده می‌شده است. با اینکه در مراحل بعد، تمامی برج‌های حصار، تماماً با خشت پرشده‌اند، براساس بقایای تخریب‌شده بخش‌هایی از حصار، نشانه‌هایی از یک ورودی در حدفاصل راهرو سرتاسری و برج‌ها دیده می‌شود. این مورد ضمن نشان دادن ارتباط راهرو سرتاسری با برج‌ها، خالی بودن برج‌های بیرونی و کاربردی بودن آن را نشان می‌دهد (تصویر 3e).

علاوه بر برج‌های بیرونی حصار، در حدفاصل هر دو برج نیز بقایای چهار طاق دیده می‌شود. این طاق‌ها در برخی قسمت‌های ضلع جنوب شرقی محوطه، به‌صورت دوطبقه بوده است (Kliess, 1987: 293-295). طاق‌های حصار را در کل می‌توان در دو خانواده طاق‌های نیم‌دایره، و طاق‌های تیزه‌دار تقسیم کرد. روش طاق‌زنی نوع اول در دوره تاریخی ایران در دوره اشکانی و ساسانی کاملاً مرسوم بوده است؛ بااین‌حال، طاق‌های تیزه‌دار، اغلب در دوره اسلامی در معماری دیده می‌شود (Pope 1933: 79-83; Huff 1987:329). نمونه چنین طاق‌هایی، در طاق‌نماهای پشتی طاق کسری (Reuther 1939:513)، اتاق‌های فرعی قصر شیرین (محمدی‌فر و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۶)، نقش قوس تیزه‌دار در سینی مفرغی موزه برلین (Rether 1939:511) و نقش روی بشقاب نقره‌ای موزه ارمیتاژ (Ibid.513) دیده می‌شود. این طاق‌ها که عامل مهمی در تأمین نور راهرو سرتاسری محسوب می‌شده، یکسان نبوده و دارای اندازه‌های متفاوتی هستند. بیشترین ابعاد طاق قلعه ایرج، ۲۱۰ سانتیمتر عرض، ۳۸۵ سانتیمتر ارتفاع و ۲۲۰ سانتیمتر عمق و کمترین ابعاد آن، ۴۰ سانتیمتر عرض، ۱۱۰ سانتیمتر ارتفاع و ۱۴۵ سانتیمتر عمق است.

در بخش میانی حصار، راهرو سرتاسری دیده می‌شود که براساس بقایای به‌جای‌مانده امروزی، یک متر عرض دارد. ارتفاع راهرو سرتاسری نامشخص است اما گمان می‌رود حداقل، هم‌اندازه با طاق‌های بیرونی حصار باشد.

این راهرو نیز همانند دیگر فضاهای داخل حصار، در آخرین مراحل استفاده پر شده است (تصویر 3b-3g)؛ راهرو مذکور، ارتباط‌دهنده برج‌ها با اتاق‌های داخلی حصار بوده است (تصویر 2d). اتاق‌هایی که به‌رغم تخریب حصار، نشانه‌هایی از آنها در ضلع جنوب شرقی، جنوب غربی و شمال غربی قابل‌مشاهده بوده و بر اساس بقایای برج‌های مانده امروزی، دارای ابعاد ۳×۳ متر بوده است (تصویر 2a-2c). بر اساس الگوی ساخت اتاق‌ها، بین هر سه برج ده اتاق و به‌صورت یک‌درمیان، روبه‌روی هر دو برج یک اتاق وجود داشته است. بر اساس الگوی فوق، احتمالاً دورتادور حصار محوطه، ۸۱۴ اتاق یک اندازه وجود داشته است. در دیواره متصل به راهروی برخی از اتاق‌ها، فرورفتگی‌های منظم و نامنظمی دیده می‌شود که برخی از آنها شبیه طاقچه، برخی شبیه تیرکش و برخی دیگر نیز احتمالاً ناشی از تخریب دیوار اتاق‌ها بوده و بعدها ایجاد شده‌اند. حتی شاید بتوان گمان برد برخی از این فرورفتگی‌ها، به‌منظور تأمین نور اتاق‌های داخل حصار ایجاد شده بودند. هرچند چنین نورگیرهایی، احتمالاً می‌بایست در دیوار مشرف به درون محوطه در اتاق‌ها بوده باشد نه راهرو سرتاسری. تخریب بخش‌های عمده‌ای از این اتاق‌ها، نحوه تأمین نور آنها را همچنان در پرده‌ای از ابهام قرار داده است.

باوجود تخریب شدید سه دروازه از چهار دروازه احتمالی محوطه، در کاوش‌های صورت‌گرفته در دروازه جنوب شرقی، بقایای دو رشته پلکان مشاهده شد که به راهرو سرتاسری حصار متصل بوده است (تصویر 3a). بر این اساس، ارتباط دروازه جنوب شرقی با سازه‌های معماری داخل حصار و شیوه این ارتباط مشخص شده است. این شیوه ارتباط دروازه جنوب شرقی با راهرو سرتاسری، احتمالاً می‌بایست در دیگر دروازه‌های محوطه نیز وجود داشته باشد؛ هرچند که تاکنون چنین نشانه‌ای یافت نشده است.

به نظر می‌رسد در آخرین مراحل استفاده از حصار، تمامی سازه‌های داخل حصار، مشتمل بر طاق‌ها، راهرو سرتاسری و حتی برج‌های نگهبانی، با خشت پر شده و احتمالاً قلعه ایرج حالت کاملاً دفاعی به‌خود گرفته است. این مدعا براساس وجود مزغل‌ها و تیرکش‌ها در برخی از طاق‌های پر شده، و ساخت یک دیوار احتمالاً سرتاسری در بیرون حصار به‌منظور استحکام‌بخشی حصار و طاق‌های پر شده عنوان شده است (تصویر 3b-3g).  
سوازی یافته‌های معماری فوق، که احتمالاً بتوانند به ما در فهم بهتر کاربری و تاریخ محوطه، کمک کنند، در کاوش‌های دروازه جنوب شرقی، آثاری از دوره ساسانی، شامل سفال‌هایی از دوره ساسانی از سه فاز استقرار محوطه (تصویر ۴ و جدول ۱)، سفال نوشته‌هایی با خط پهلوی کتابی از اواخر دوره ساسانی و دو گل‌مهر با نقش فیل و قرقاول، قابل‌مقایسه با نقش مهرهای ساسانی تخت سلیمان (گوبل، ۱۳۸۴: ۵۲)، قصر ابونصر (علیخانی، ۱۳۸۶: ۱۱۲) و محلات (رحیمی‌فر، ۱۳۸۵: تصویر ۳۱، برچسب شش) یافت شد که تا حدودی به ما در درک تاریخ ساخت محوطه کمک خواهند کرد.

یافته‌های فوق، تمامی شواهد باستان‌شناسی محوطه، مرتبط با تاریخ‌گذاری و کاربری قلعه ایرج است که به‌اختصار تشریح شد. گمان می‌رود بتوان با تحلیل شواهد توصیف شده و استفاده توأمان از آنها در کنار تصاویر ماهواره‌ای نفوذ به زمین قلعه ایرج و متون تاریخی منطقه، درکی نسبی از تاریخ محوطه و کاربری آن به دست آورد.

#### ۴. تاریخ‌گذاری

یکی از چالش‌های مهم باستان‌شناسی قلعه ایرج، تاریخ ساخت، استفاده و نهایتاً متروک شدن محوطه است. تاکنون اظهارنظرهای متفاوتی راجع به تاریخ قلعه ایرج ارائه شده که در کل آن را محوطه‌های اشکانی-ساسانی (Kleiss 1987: 289-307؛ فرزین، ۱۳۸۱: ۲۶-۲۴ و ۵۱؛ اسکندری، ۱۳۸۵: ۸۱-۸۰)، ساسانی (Matheson 2001: 25؛ نعمتی، ۱۳۹۴) و اسلامی (Matheson 2001: 25؛ خلعتبری، ۱۳۸۰: ۳۹۹-۳۹۷) معرفی می‌کند. بعضاً نیز تلاش کرده‌اند گمانه‌هایی نسبی راجع به تاریخ متروک شدن محوطه ارائه دهند؛ در این راستا کلایس معتقد است قلعه ایرج تا ورود ایلخانان مغول به منطقه ورامین همچنان ادامه حیات داده است (Kleiss 1987: 289-307).  
سوازی از ارزیابی صحت و وسقم شواهد فوق، آنچه مشخص است این‌که مبنای تمامی این تاریخ‌گذاری‌ها، بررسی سطحی قلعه ایرج و مشاهده بقایای معماری و یافته‌های درون محوطه بوده است. به‌عبارت‌دیگر، هیچ‌کدام از نظریات مطرح‌شده در باب تاریخ محوطه، بر اساس کاوش‌های باستان‌شناسی قلعه ایرج و ارزیابی دقیق شواهد باستان‌شناسی به‌دست‌آمده از کاوش‌ها صورت نگرفته است. با این حال، در این مبحث تلاش می‌شود با ارزیابی شواهد باستان‌شناسی به‌دست‌آمده از بررسی‌ها و کاوش‌های قلعه ایرج، درک نسبی از تاریخ ساخت، استفاده و نهایتاً متروک شدن محوطه حاصل شود.

در بررسی‌های صورت گرفته در درون محوطه، قطعه سفال‌هایی از دوره مس‌وسنگ، عصر آهن، ساسانی، سلجوقی و ایلخانی شناسایی شده است. نمونه‌های سفال‌هایی، در بررسی فضای بیرون حصار نیز یافت شده است. کشف قطعه سفال‌هایی از دوره مس‌وسنگ در گمانه‌های ضلع غربی و جنوبی بیرون حصار و وجود یک محوطه سلجوقی-ایلخانی در ضلع غربی بیرون حصار، نشان‌دهنده وجود محوطه‌هایی از پیش‌ازتاریخ و اسلامی در اطراف محوطه است؛ گمان می‌رود سفال‌های پیش‌ازتاریخ و اسلامی درون قلعه ایرج، به‌واقع متعلق به این محوطه‌ها بوده‌اند که در نتیجه انتقال خاک آنها برای تقویت زمین‌های کشاورزی، به این بخش از محوطه منتقل و انباشت شده‌اند. این گمان از این‌روی تقویت می‌شود که تاکنون، در کاوش‌های صورت گرفته در درون محوطه، سوای از قطعه سفال‌های دوره ساسانی، هیچ سفالی از پیش‌ازتاریخ و دوره اسلامی یافت نشده است. به‌علاوه، در یک مورد به نقل از یکی از کشاورزان منطقه، وی برای تقویت زمین کشاورزی خود، ۱۸۰ کامیون خاک از بیرون قلعه ایرج به داخل محوطه، انتقال داده است.

سفال‌های ساسانی قلعه ایرج، سوای از دروازه جنوب شرقی، در شمال غربی درون محوطه، بر روی یک کف استقرار یافته است. همان‌جایی که تصاویر ماهواره‌ای نفوذ به زمین قلعه ایرج، نشانه‌هایی از آثار معماری در آن بخش، تشخیص داده است (تصویر ۵). در تصاویر ماهواره‌ای محوطه، نشانه‌های از سازه‌های معماری در بخش شمال غربی محوطه، روبه‌روی دروازه شمال غربی مشخص گردید. تاکنون نمی‌توان با اطمینان راجع به ماهیت این سازه‌ها و تاریخ آنها اظهارنظر «دقیقی» ارائه کرد، با این حال، اگر با احتیاط گمان کنیم این سازه‌های معماری، همان آثاری هستند که از کاوش‌های انجام‌گرفته در این بخش از محوطه یافت شده است، با اطمینان بیشتری می‌توان از ساسانی بودن آثار بخش شمال غربی درون قلعه ایرج صحبت کرد. لازم به ذکر است، نه در دیگر مناطق کاوش‌شده در درون محوطه، و نه در تصاویر ماهواره‌ای نفوذ به زمین قلعه ایرج، نشانه‌هایی از آثار معماری که سفال‌های سطحی درون محوطه، بالقوه می‌توانسته است مربوط به آن باشد، یافت نشده است. بر این اساس، با توجه به کشف «تنها» قطعه سفال‌هایی از دوره ساسانی، در کاوش‌های انجام‌گرفته در درون قلعه ایرج، و با توجه به محدود بودن شواهد معماری در درون محوطه، احتمال می‌رود سفال‌های پیش‌ازتاریخ و اسلامی درون قلعه ایرج، در نتیجه انتقال و انباشت خاک‌های بیرونی، به درون محوطه وارد شده باشند. با اینکه شواهد باستان‌شناسی محوطه این مورد را تلویحاً تأیید می‌کند، با این حال، هنوز نمی‌توان راجع به ارتباط یا عدم ارتباط سفال‌های اسلامی درون محوطه با قلعه ایرج، با قطعیت اظهارنظر کرد. به‌هر حال، کشف قطعه سفال‌هایی از دوره ساسانی در بخش شمال غربی درون محوطه، و کشف سفال‌ها، سفال نوشته‌ها و گل‌مهرهایی از دروازه جنوب شرقی قلعه ایرج، نشان‌دهنده حیات محوطه در دوره ساسانی است.

معماری حصار نیز شاهد دیگری بر حیات محوطه در دوره ساسانی است؛ استفاده از طاق‌های نیم‌دایره و تیزه‌دار، استفاده از برج‌های نیم‌دایره قابل‌مقایسه با برج‌های بیشاپور (سرفراز و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵۵) و تخت سلیمان (اوستن و ناومان، ۱۳۷۳) و آثار ساسانی دروازه جنوب شرقی حصار، فرض ساسانی بودن حصار را منطقی نشان می‌دهد. اگر آن‌گونه که کاوش‌های درون محوطه و تصاویر ماهواره‌ای نفوذ به زمین قلعه ایرج گواهی می‌دهند، درون محوطه، یافته‌های معماری گسترده‌ای وجود نداشته نباشد، و حصار نیز، همانند آثار درون



محوطه، مربوط به دوره ساسانی باشد، با احتیاط، می‌توان نتیجه گرفت قلعه ایرج در دوره ساسانی ساخته شده است.

کشف سه فاز استقرار در دروازه جنوب شرقی قلعه ایرج، و وجود سفال‌نوشته‌هایی از اواخر دوره ساسانی در دومین فاز استقرار، نشان می‌دهد که قلعه ایرج لااقل در اواخر دوره ساسانی حیات داشته است. اگر برای پرشدگی فضاهای معماری داخل حصار، که عملاً حصار قلعه ایرج با فضاهای معماری گسترده درون آن را غیرقابل استفاده می‌کرده است، بتوان تاریخی تقریبی تصور کرد، با عنایت به نبود شواهد گسترده معماری در درون محوطه، می‌توان تصویری نسبی از متروک شدن قلعه ایرج به دست آورد.

فضاهای معماری حصار، در طی چند مرحله پر شده و جنبه کاملاً دفاعی به خود گرفته است. به نظر می‌رسد در اولین مرحله، ساکنین محوطه در طاق‌های مشرف به بیرون حصار، مزغلهایی ایجاد کرده‌اند تا هم طاق‌های عظیم حصار، کوچک‌تر و محدودتر شود و هم با ایجاد این مزغله‌ها، جنبه دفاعی به آنها داده باشند. با توجه به اینکه مزغله‌های درون طاق‌ها، در تمامی طاق‌های حصار دیده نمی‌شود، و با عنایت به اینکه طاق‌های مزغله‌دار، کمی بعدتر تماماً با خشت پر شده‌اند، به نظر می‌رسد ساکنین محوطه، تصمیم به دفاعی‌تر کردن حصار گرفته‌اند؛ بدین معنی که ساخت مزغله‌ها در دهانه طاق‌ها متوقف و تمامی طاق‌های حصار با خشت‌هایی پر شده‌اند. این پرشدگی، هم پر شدن دهانه طاق‌ها را شامل می‌شده است و هم پر کردن فضای پشت طاق‌ها در راهرو سرتاسری. این عمل، که تقریباً در عموم بخش‌های حصار به خوبی قابل مشاهده است، عملاً منجر به بسته شدن راهرو سرتاسری با تنها یک متر عرض، می‌شده است. راهرویی که ارتباط‌دهنده تمامی فضاهای معماری داخل حصار بوده است.

در برخی از طاق‌های پر شده در دومین مرحله دفاعی کردن حصار، تیرکشی‌هایی نیز تعبیه شده است. این تیرکشی‌ها به خوبی دلیل پرشدگی سازه‌های داخل حصار را نشان می‌دهد. جالب آن که پرشدگی‌ها، حتی برج‌های نگهبانی حصار را نیز شامل می‌شده است. برج‌هایی که بالقوه برای درگیری‌های نظامی ساکنین محوطه با دشمنان احتمالی ایجاد شده‌اند در آخرین مراحل استقرار محوطه تماماً با خشت پر شده‌اند. وجود ورودی‌هایی در حدفاصل راهرو سرتاسری به برج، خالی بودن برج‌های بیرونی محوطه پیش از دفاعی شدن قلعه ایرج را به خوبی نشان می‌دهد. در آخرین مرحله پرشدگی و دفاعی شدن حصار، یک دیوار احتمالاً سرتاسری در بخش بیرونی حصار کشیده شده تا به استحکام بیشتر حصار و طاق‌های پر شده کمک کند. پر کردن طاق‌ها، برج‌ها و کشیدن دیوار سرتاسری تماماً با خشت، نشان می‌دهد ساکنین قلعه ایرج زمان کافی برای انجام این کار داشته‌اند؛ به عبارت دیگر شاید بتوان چنین گفت که آنها، بحران سیاسی منطقه را پیش‌بینی کرده و دست به پیشگیری زده‌اند تا اینکه مستقیماً در مقابل بحران پیش‌گفته قرار گرفته و دست به عکس‌العمل زده باشند.

حال این پرسش مطرح می‌شود که با درک پرشدگی‌های حصار و فرایند آن، آیا می‌توان تاریخی تقریبی برای این پرشدگی‌ها متصور شد؟ برای درک تاریخ پرشدگی‌های حصار، باید داده‌های باستان‌شناسی قلعه ایرج با رویدادهای سیاسی اواخر دوره ساسانی-اوایل اسلامی مورد ارزیابی قرار گیرند تا با تحلیل توأمان آنها، بتوان تاریخی نسبی از متروک شدن حصار و «با احتیاط» قلعه ایرج به دست آورد. آن‌گونه که از تاریخ اواخر ساسانی-اوایل اسلامی منطقه قابل برداشت است، سه رویداد مهم تاریخی و برخوردیهایی نظامی در این زمان در ایالت ری رخ داده است که بالقوه می‌توانسته‌اند منجر به پرشدگی سازه‌های معماری حصار قلعه ایرج، صرفاً

دفاعی شدن محوطه و نهایتاً بی‌استفاده شدن حصار و احتمالاً ترک محوطه شده باشد: (۱) شورش بهرام چوبین و خاندان مهران علیه خسرو دوم (۶۲۸-۵۹۰ م)، تصرف تیسفون و اعلام استقلال در ری که نهایتاً به شکست وی توسط خسرو دوم منجر شد؛ (۲) شورش وستهم (بسطام) دائی خسرو دوم و اعلام استقلال وی در ری که نهایتاً به شکست وی توسط خسرو دوم منجر شد؛ و (۳) ورود و حمله اعراب مسلمان به ری در اوایل دوره اسلامی، که در نتیجه به شکست دودمان ساسانی و سقوط این امپراطوری منجر گردید.

درباره ارتباط پرشدگی فضاهای معماری حصار با درگیری‌های نظامی هم‌زمان با خسرو دوم نمی‌توان با اطمینان اظهار نظر کرد؛ زیرا در وهله اول باید انتساب قلعه ایرج به دو برهه محدود استقلال سیاسی بهرام چوبین و وستهم روشن شود. به علاوه، منطقی به نظر نمی‌رسد اگر تصور شود، قلعه ایرج، با این ساختار گسترده معماری، در زمان استقلال سیاسی بهرام چوبین و یا وستهم ایجاد شده که با شکست آنها، پر و متروک شده باشد؛ زیرا در کاوش‌های صورت گرفته در دروازه جنوب شرقی محوطه، حداقل سه مرحله استقرار مشاهده شده است که تلویحاً طولانی بودن استفاده از دروازه و محوطه را نشان می‌دهد. چند مرحله‌ای بودن این پرشدگی و داشتن زمان کافی برای آن نیز، با حمله خسرو دوم به ری نمی‌تواند همخوانی داشته باشد. به علاوه، در صورت ارتباط پرشدگی فضاهای معماری محوطه با رویدادهای نظامی هم‌زمان با بهرام چوبین و یا وستهم، فرض عدم ادامه حیات قلعه ایرج در دوره ساسانی بعد از شکست این شورش‌های سیاسی منطقی به نظر نمی‌رسد. عدم حیاتی که در خالی نشدن دوباره ساختارهای معماری داخل حصار به خوبی قابل مشاهده است. همچنین، به نظر می‌رسد بعد از این توجه و دقت در ابعاد دفاعی قلعه ایرج در آخرین فازهای استقرار محوطه، می‌تواند نشان‌دهنده رویداد سیاسی به مراتب مهم‌تری در ایالت ری بوده باشد. رویدادی که شدت آن را می‌توان در پر شدن تمامی سازه‌های معماری حصار و بلااستفاده ماندن همیشگی آنها، به خوبی مشاهده کرد.

بدین منظور، به نظر می‌رسد حمله اعراب مسلمان به ری در اوایل دوره اسلامی، مهم‌ترین رویداد سیاسی اواخر دوره ساسانی-اوایل دوره اسلامی بوده که بالقوه می‌توانسته است ساختارهای سیاسی منطقه را بر هم زده و نظم سیاسی جدیدی در ایران و ایالت ری حاکم کند. به علاوه، مرحله‌ای بودن پرشدگی‌ها و داشتن زمان کافی برای پر کردن تمامی سازه‌های معماری حصار، با فتح تدریجی ایران و ری توسط اعراب مسلمان (بلاذری، ۱۳۶۴: ۱۳۴۹-۱۳۴۷؛ طبری، ۱۳۶۲: ۱۸۴۷-۱۸۲۷؛ جواهرکلام، ۱۳۲۵: ۶) همخوانی دارد. خالی نشدن دوباره سازه‌های معماری داخل حصار نیز تلویحاً نشان‌دهنده شکست ساکنین محوطه در نتیجه بحران سیاسی منطقه‌ای بوده است. در مجموع، به نظر می‌رسد بین پرشدگی‌های حصار با بحران‌های سیاسی-نظامی ناشی از ورود اعراب مسلمان به ایران، به نسبت دیگر رویدادهای سیاسی منطقه، می‌توان همخوانی بیشتری یافت. آنچه مشخص است اینکه، این پرشدگی‌ها، که پر شدن راهرو سرتاسری محوطه را نیز در پی داشته است، در کوتاه‌مدت باعث ترک همیشگی حصار، با سازه‌های گسترده درون آن شده است. با فرض عدم استفاده از حصار، آیا فضای درونی قلعه ایرج نیز، همسو با پرشدگی و ترک حصار محوطه، برای همیشه متروک شده است؟ تا آنجا که کاوش‌های باستان‌شناسی درون محوطه، تحلیل تصاویر ماهواره‌ای نفوذ به زمین قلعه ایرج و کاوش‌های دروازه جنوب شرقی گواهی می‌دهند، قلعه ایرج بعد از پرشدگی فضاهای معماری داخل حصار، «هیچ‌گاه به صورت گسترده مورد استفاده قرار نگرفته است». حتی اگر وجود قطعه سفال‌های سلجوقی و ایلخانی درون محوطه را،

که احتمالاً در نتیجه انتقال خاک بیرون حصار به درون قلعه وارد شده است، بتوان به‌عنوان نشانه‌ای از ادامه حیات محوطه تلقی کرد، با استناد به شواهد باستان‌شناسی و تصاویر ماهواره‌ای محوطه، این استقرار، در صورت وجود احتمالی، هیچ‌گاه گسترده نبوده و تنها می‌توانسته است به‌صورت محدود در بخش غربی درون محوطه روی داده باشد. هرچند که تاکنون، هیچ شاهد مستدلی، فرض استمرار حیات قلعه ایرج تا دوره سلجوقی و ایلخانی را با اطمینان نشان نداده است. کاوش‌های بخش غربی درون محوطه نیز، «تنها» آثاری از دوره ساسانی را نشان داده است.

## ۵. کاربری

یکی دیگر از پرسش‌های مهم باستان‌شناسی قلعه ایرج، بحث کاربری این محوطه است. تاکنون راجع به کاربری قلعه ایرج، فرضیه‌هایی چون شهر (Pézar & Bondoux 1911: 61-63؛ فرزین، ۱۳۸۱: ۲۶-۲۴ و ۵۱؛ اسکندری، ۱۳۸۵: ۸۱-۸۰)، قلعه نظامی (Pézar & Bondoux 1911: 61-63؛ Matheson 2001: 25؛ Kleiss 1987: 289-307؛ فرزین، ۱۳۸۱: ۲۶-۲۴ و ۵۱؛ اسکندری، ۱۳۸۵: ۸۱-۸۰) و شکارگاه (Matheson 2001: 25) عنوان شده است؛ هیچ‌یک از این فرضیات، همراه با ارائه شواهد مستدل باستان‌شناسی عنوان نشده و تنها گمانه‌های نسبی بدون دلیلی در رابطه با کاربری قلعه ایرج هستند. در این راستا، در نوشتار حاضر، داده‌های باستان‌شناسی محوطه، تصاویر ماهواره‌ای نفوذ به زمین قلعه ایرج و متون تاریخی منطقه، توأمان مورد بررسی و ارزیابی قرار خواهند گرفت تا درکی نسبی از کاربری محوطه در دوره ساسانی ارائه شود. برای درک این مهم، ضروری است شاخصه‌های معماری محوطه از نگاهی دیگر، مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. قلعه ایرج دارای یک حصار عریض و مرتفع به عرض ۲۲-۱۵ متر و ارتفاع باقیمانده ۱۵ متر است؛ این محوطه ۱۴۸ برج با فاصله تقریبی ۲۸ متر از یکدیگر دارد؛ داخل حصار آن یک راهرو سرتاسری و احتمالاً ۸۱۴ اتاق یک‌اندازه است. بیرون حصار نیز یک خندق سرتاسری وجود داشته است. در درون محوطه، در نتیجه بررسی‌های سطحی، تنها بقایای چند قطعه آجر، خشت و دو قطعه گچ‌بری تزئینی (Kleiss 1987: 304؛ فرزین، ۱۳۸۱: ۴۴؛ نعمتی، ۱۳۹۴) مشاهده شده است. از کاوش‌های انجام‌گرفته در درون محوطه نیز تنها بقایای یک کف استقرار محدود در غرب محوطه یافت شده است؛ بقایای معماری محدودی که تصاویر ماهواره‌ای نفوذ به زمین قلعه ایرج، ضمن تأیید محدود بودن آن، محدوده تقریبی احتمالی آن را نیز نشان داده است. براین‌اساس، قلعه ایرج را با احتیاط، می‌توان محوطه‌ای توصیف کرد که در داخل حصار آن، برخلاف درون محوطه، بقایای معماری گسترده‌ای در تمامی اضلاع آن قابل مشاهده است. به دیگر سخن، محوطه‌ای با ساختارهای معماری گسترده در داخل حصار، در مقابل وجود بقایای محدود معماری درون محوطه. در قلعه ایرج، سوای از هر کاربری، در کنار توجه به ابعاد حفاظتی، که نمود آن در برج‌ها و خندق بیرونی قابل مشاهده است، چهار دروازه و طاق‌های عظیم دیده می‌شود که نشان می‌دهد، نوعی آرامش سیاسی نیز در زمان استفاده در منطقه حاکم بوده است. آرامشی که نمود آن به‌خوبی در طاق‌های عظیم حصار دیده می‌شود که تلویحاً، نوعی معماری باشکوه و شاهانه را نشان می‌دهد. طاق‌هایی که چندین لایه اندود کاه‌گل آنها، نشان می‌دهد برای مدت‌زمانی طولانی، به این شکل، مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

پیش‌تر گمان بردیم قلعه ایرج در دوره ساسانی ساخته شده است. حال این پرسش مطرح می‌شود که قلعه ایرج با چنین ساختاری، چه کاربردی در دوره ساسانی می‌توانسته است داشته باشد؟ اگر تصور شود درون هر یک از ۸۱۴ اتاق داخل حصار با ابعاد ۳×۳ متر، به‌طور میانگین ۳ الی ۴ نفر زندگی می‌کرده‌اند، احتمالاً بین ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر در حصار قلعه ایرج می‌توانسته است ساکن بوده باشد. این افراد در یک دوره آرامش سیاسی که نمود آن در طاق‌های عظیم بیرون حصار و وجود چهار دروازه در چهار جهت حصار قابل‌مشاهده است، با حفظ امنیت کامل که نمود آن در خندق بیرون حصار و ۱۵ متر ارتفاع باقیمانده حصار و ۱۴۸ برج نگهبانی بیرون حصار است، زندگی می‌کرده‌اند. اگر آن‌گونه که شواهد باستان‌شناسی محوطه گواهی می‌دهند، در درون محوطه سازه‌های معماری گسترده‌ای وجود نداشته باشد، می‌توان قلعه ایرج را چنین تصور کرد: محوطه‌ای بالغ بر ۱۹۰ هکتار وسعت با ساختارهای معماری گسترده داخل حصار در مقابل نبود چنین ساختارهای گسترده‌ای در درون محوطه. در این راستا، می‌توان تصور کرد بخش عمده‌ای از درون محوطه خالی از هرگونه سازه معماری بوده است. تصویری که هم کاوش‌های باستان‌شناسی و هم مطالعات ماهواره‌ای قلعه ایرج، آن را تصدیق می‌کند.

حال این پرسش مطرح می‌شود که چرا بخش عمده‌ای از فضای درون محوطه می‌بایست خالی بوده باشد؟ و اینکه آیا می‌توان گمان برد بخش خالی درون محوطه کاربردی هم داشته است؟ در این راستا، با توجه به وجود ۸۱۴ اتاق در داخل حصار، در مقابل نبود چنین ساختارهایی در فضای درون محوطه، می‌توان با احتیاط قلعه ایرج را یک پادگان و مرکز نظامی از دوره ساسانی محسوب نمود؛ پادگانی که احتمالاً می‌توانسته چندکاربری بوده و نقش تأمین امنیت منطقه‌ای، جلوگیری از شورش‌های احتمالی، تأمین نیروهای نظامی برای جنگ‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، آموزش نیروهای نظامی، استراحتگاهی موقت برای نیروهای نظامی بین‌راهی و نمونه‌های مشابه دیگر را داشته باشد. در صورت مفروض بودن کاربری پادگان، شاید بتوان گمان برد در درون محدوده خالی محوطه نیز، تمرین‌های نظامی صورت می‌گرفته و نیروهای نظامی، خود را برای وظایف مشخص‌شده، آماده می‌کرده‌اند. وجود چنین مراکز نظامی، در تمامی ایالت‌های ایران در دوره ساسانی، منطقی به نظر می‌رسد. باین‌حال، ردپای چنین مراکز نظامی‌ای را می‌توان کمابیش، در متون تاریخی مربوط به ایالت ری مشخص کرد؛ چه اینکه این منطقه، در مرکز ایران‌شهر ساسانی و بر سر شاهراه ارتباطی این دوره واقع شده و موقعیت استراتژیک بسیار برجسته‌ای داشته است.

فردوسی در ضمن اشاره به رویدادهای سیاسی هم‌زمان با خسرو دوم و شورش بهرام چوبین، اشاره‌ای به گذشته می‌کند و با آوردن شاهی، تلاش می‌کند نشان دهد مردمان ری همواره در فکر تصرف پادشاهی در ایران بوده‌اند؛ وی در این راستا چنین اشاره می‌کند (فردوسی، ۱۳۸۶: ۱۰۵۱):

«نخست از ری آمد سپاه اندکی» که شد با سپاه سکندر یکی  
میان را بستند با رومیان گرفتند ناگاه تخت کیان

حمدالله مستوفی نیز ضمن اشاره به جنگ اردشیر و اردوان در ری، خاطر نشان می‌سازد اردوان آخرین لشکرکشی علیه اردشیر را «با جمع‌آوری قشونی از مردمان ری» آغاز کرده بود (مستوفی، ۱۳۶۱: ۱۰۴). به‌علاوه، طبری اشاره می‌کند که قباد با کمک اسپهبد شاپور از خاندان مهران، سوخرا را دستگیر کرده و کشته است (طبری، ۱۳۶۲: ۶۳۹). احتمالاً منظور طبری، یک نیروی نظامی از خاندان مهران به فرماندهی اسپهبد شاپور است

که در این درگیری نظامی حضور مستقیمی داشته است. خاندانی که به لطف متون تاریخی، می‌دانیم که در دوره ساسانی در ری ساکن بوده و زندگی می‌کرده است (بلعمی، ۱۳۷۸: ۶۷۵؛ دینوری، ۱۳۷۱: ۱۱۳؛ طبری، ۱۳۶۲: ۶۳۹؛ بلعمی، ۱۳۷۸: ۱۰۱۶؛ مسعودی، ۱۳۷۰: ۲۶۹-۲۶۸؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۰۸؛ یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲۰۹-۲۰۵؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۳۱۴). استقلال سیاسی ری هم‌زمان با بهرام چوبین و وستهم، که تلویحاً استقلال نظامی منطقه را نیز به همراه داشته است، بار دیگر نشان داد که هم‌زمان با خسرو دوم، مراکز نظامی در ری وجود داشته است. کمی بعدتر، در زمان یزدگرد سوم (۶۵۱-۶۳۲ م)، طبری به وجود چنین مراکزی در ری اشاره می‌کند: «یزدگرد بعد از شکست در نبرد جلولا به ری رفته و در این شهر به جمع‌آوری نیرو برای مقابله با اعراب پرداخته است.» (طبری، ۱۳۶۲: ۱۸۴۷-۱۸۲۷). در مجموع، احتمالاً در دوره ساسانی، در منطقه ری، مراکزی نظامی وجود داشته که در مواقع لزوم، در درگیرهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای شرکت می‌کرده است. به‌علاوه، احتمالاً این مراکز در تأمین امنیت منطقه، آموزش نیروهای نظامی و حتی مکانی برای استراحت موقت نیروهای نظامی بین‌راهی نقش مهمی بازی می‌کرده‌اند. شاید بتوان گمان برد با استناد به موقعیت جغرافیایی استراتژیک ری و قرارگیری آن در قلب ایرانشهر و در کنار چهارراه ارتباطی شرق به غرب، بعضاً از نیروهای نظامی منطقه ری، برای حضور در درگیری‌های نظامی مناطق شرقی و غربی امپراطوری ساسانی استفاده می‌شده‌اند. به احتمال قوی این مراکز نظامی و نیروهای آن، می‌بایست بخشی از نیروهای نظامی خاندان مهران بوده باشند که در دوره ساسانی در منطقه ری ساکن بوده و بعضاً به پشتوانه همین نیروها، قصد تصرف و تسخیر پایتخت ساسانیان را نیز داشته‌اند. شورش بهرام چوبین از خاندان مهران، علیه خسرو دوم و تسخیر تیسفون، نمونه خوبی از قدرت نظامی خاندان مهران و نیروهای نظامی تحت فرمان وی است. نیروهایی که احتمالاً بخش عمده‌ای از آنها در حوزه نفوذ سیاسی خاندان مهران، یعنی ایالت ری، تعلیم دیده و پرورش نظامی یافته بودند. در مجموع، تا آنجا که شواهد باستان‌شناسی محوطه گواهی می‌دهند، قلعه ایرج احتمالاً یک پادگان نظامی دوره ساسانی است که به‌طورقطع در اواخر این دوره حیات داشته است. پادگانی که بالقوه، جمعیتی بالغ بر ۲۵۰۰ الی ۳۰۰۰ نفر داشته است. فضای خالی درون محوطه، که ساختار گسترده داخل حصار، آن را توجیه می‌کند، احتمالاً مکانی برای تمرین‌های نظامی ساکن در داخل حصار بوده است. بااینکه به‌جز یک کف استقرار از دوره ساسانی، هیچ آثار معماری دیگری از کاوش‌های درون محوطه یافت نشده است، اگر معماری احتمالی استخراج‌شده از تحلیل تصاویر ماهواره‌ای درون محوطه را بتوان با احتیاط، به دوره ساسانی نسبت داد، شاید بتوان آنها را سازه‌هایی مرتبط با کاربری یک پادگان نظامی تلقی کرد.

## ۶. نتیجه

قلعه ایرج، با حدود ۱۹۰ هکتار وسعت، یکی از محوطه‌های مهم دوره تاریخی ایران در دشت تهران است. تاکنون مطالعات پراکنده‌ای راجع به این محوطه صورت گرفته که هیچ‌گاه نتوانسته است آن چنان که باید، ابعاد تاریخی و باستان‌شناسی قلعه ایرج را شناسایی و بازسازی کند. دو پرسش مهم باستان‌شناسی محوطه، بحث تاریخ‌گذاری و کاربری قلعه ایرج، همچنان بدون جواب مانده است که نمود آن را می‌توان در تناقض‌های عنوان‌شده در باب تاریخ محوطه و کاربری احتمالی آن به‌خوبی مشاهده کرد. در نوشته حاضر تلاش شد با

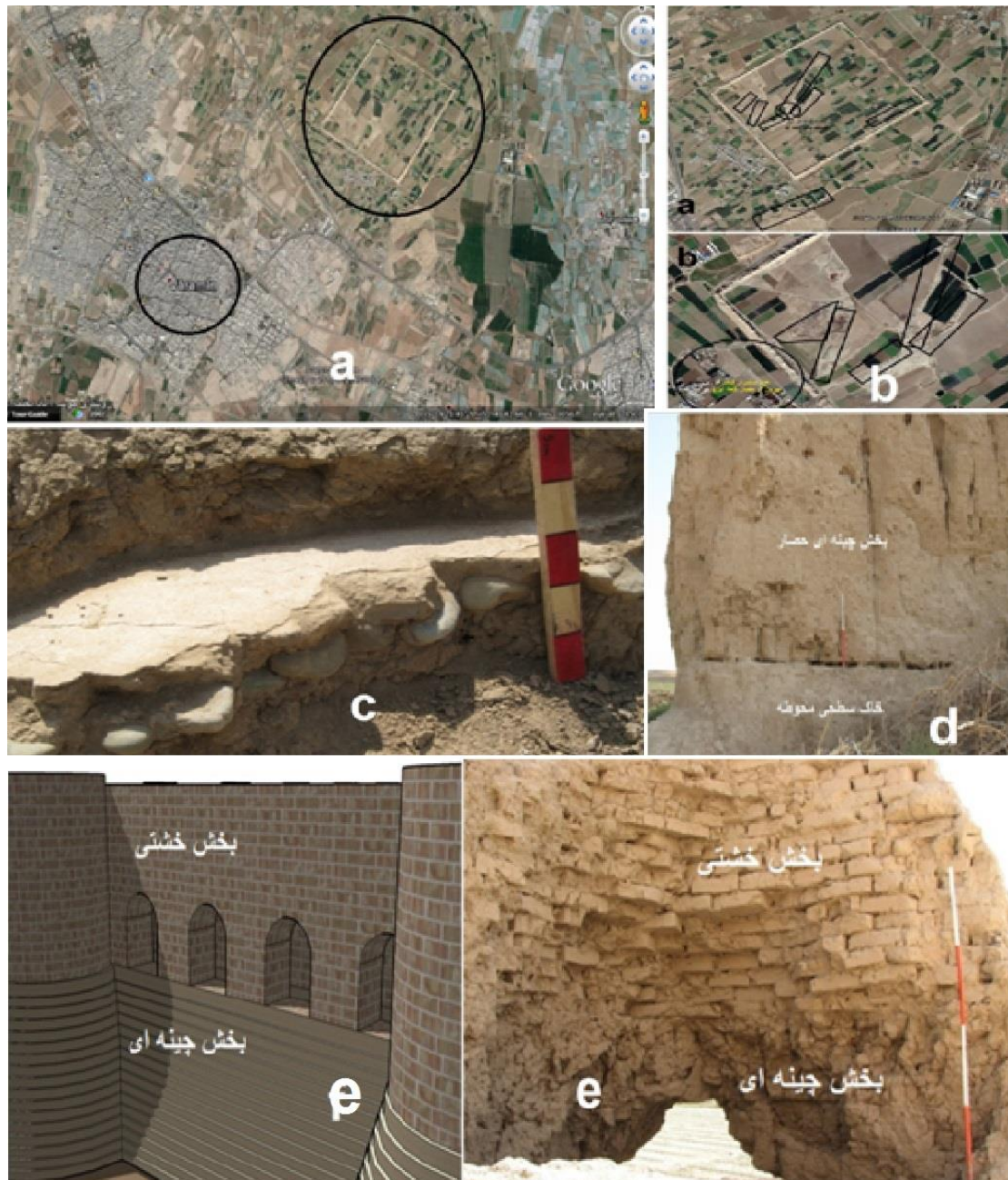
داده‌های به‌دست‌آمده از بررسی باستان‌شناسی محوطه، داده‌های کاوش قلعه ایرج، تحلیل تصاویر ماهواره‌ای نفوذ به زمین محوطه و متون تاریخی منطقه، درکی کلی از قلعه ایرج حاصل شود.

بررسی دقیق ساختار حصار نشان داد که سازندگان قلعه ایرج، تعمداً بخش چینه‌ای تحتانی حصار را عریض ساخته‌اند تا بستر مناسبی برای ساختارهای گسترده خشتی بخش فوقانی ایجاد کنند. ساختارهایی که احتمالاً مشتمل بر ۸۱۴ اتاق، با جمعیتی بالغ بر ۲۵۰۰ الی ۳۰۰۰ نفر بوده که به‌وسیله یک راهرو سرتاسری به ۱۴۸ برج بیرونی حصار و احتمالاً چهار دروازه محوطه مرتبط می‌شده است. فراوانی فضاهای معماری در حصار محوطه تلویحاً نبود ساختارهای معماری گسترده درون محوطه را نشان می‌دهد؛ موردی که کاوش‌های باستان‌شناسی درون محوطه و تصاویر ماهواره‌ای نفوذ به زمین قلعه ایرج، با درصد اطمینان بیشتری آن را بازسازی کرده است. با کنار هم قرار دادن ساختارهای معماری گسترده داخل حصار و نبود چنین ساختارهای گسترده‌ای درون محوطه، و با عنایت به برج‌های بیرون حصار و خندق بیرون محوطه، گمان می‌رود بتوان قلعه ایرج را یک پادگان نظامی تلقی کرد. پادگانی که احتمالاً در دوره ساسانی ساخته شده است و فراوانی طاق‌های وسیع حصار آن، به‌خوبی نشان می‌دهد که معماری باشکوه و شاهانه‌ای داشته و در یک دوره آرامش سیاسی ساخته شده و مورد استفاده قرار گرفته است. بااینکه شواهد «مستدلی» بر عدم حیات محوطه بعد از دوره ساسانی در دست نیست، بررسی باستان‌شناسی محوطه و بازسازی تاریخ ایالت ری، توانسته است به ما در ارائه گمانه‌هایی نسبی بر تاریخ تقریبی متروک‌شدن حصار و احتمالاً محوطه کمک کند. پرشدگی سازه‌های معماری حصار از جمله برج‌های نگهبانی، طاق‌های حصار و راهرو سرتاسری، ایجاد مزغ‌ها و تیرکش‌هایی در طاق‌های پرشده و ایجاد دیوار سرتاسری در بخش بیرونی حصار، به‌خوبی نشان می‌دهد قلعه ایرج در آخرین مراحل استقرار حصار، جنبه کاملاً دفاعی به خود گرفته است. با عنایت به چند مرحله بودن پرشدگی‌های حصار، وجود زمان کافی برای این پرشدگی‌ها، عدم ادامه حیات قلعه ایرج لااقل با کاربری قبلی، صرفاً دفاعی شدن محوطه و عمق توجه به این کاربری جدید حصار، همگی نشان می‌دهد که شاید حمله اعراب مسلمان به ایران و متعاقباً ایالت ری، آن رویداد و بحرانی باشد که ساکنین محوطه آن را پیش‌بینی کرده و بدین نحو تلاش کرده‌اند با آن مقابله کرده و روبه‌رو شوند.

خالی نشدن فضاهای معماری داخل حصار، نشان می‌دهد قلعه ایرج، که بخش عمده‌ای از هویت خود را از ساختارهای داخل حصار آن می‌گرفته است، بعد از این بحران سیاسی به‌تدریج کاربری پیشین خود را از دست داده و اگر نگوییم برای همیشه متروک شده است، هیچ‌گاه به‌صورت گسترده مورد استفاده قرار نگرفته است. بااینکه کشف قطعه سفال‌هایی از دوره سلجوقی-ایلخانی در بررسی درون محوطه، تلویحاً حدس استمرار حیات قلعه ایرج تا دوره ایلخانی را نشان می‌دهد، وجود محوطه‌ای از دوره سلجوقی-ایلخانی در بیرون حصار محوطه، فرض انتساب این قطعه سفال‌ها به این محوطه را منطقی نشان می‌دهد. چه اینکه در گمانه‌های درون محوطه نیز، سوای از سفال‌های ساسانی، هیچ شواهد مستدل باستان‌شناسی از دیگر ادوار تاریخ ایران یافت نشده است. به‌علاوه، کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه و تصاویر ماهواره‌ای نفوذ به زمین قلعه ایرج نیز، نشان می‌دهد درون محوطه، سازه‌های معماری گسترده‌ای وجود نداشته که بتواند بالقوه، نشان‌دهنده وجود احتمالی دوره‌های دیگری در قلعه ایرج بوده باشد. بر این اساس، شاید بتوان با اطمینان بیشتری، قلعه ایرج را پادگانی نظامی از دوره ساسانی معرفی کرد که تا اوایل دوره اسلامی ادامه حیات داشته و بعد از تغییرات

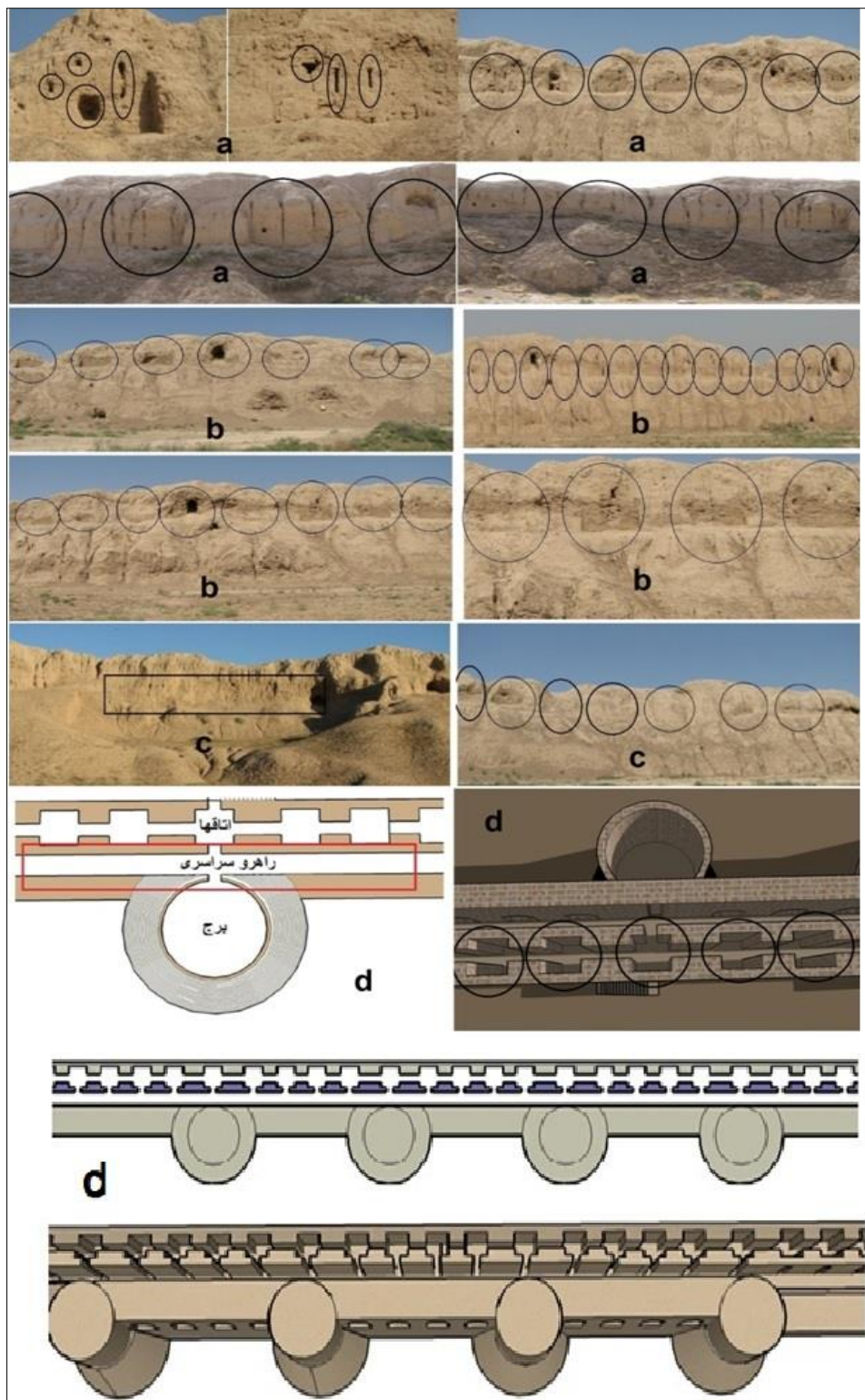
سیاسی، فرهنگی در ایرانشهر در نتیجه حمله اعراب مسلمان، برای همیشه کاربری پیشین خود را از دست داده و احتمالاً دیگر حیات گسترده‌ای نداشته است.

### تصاویر



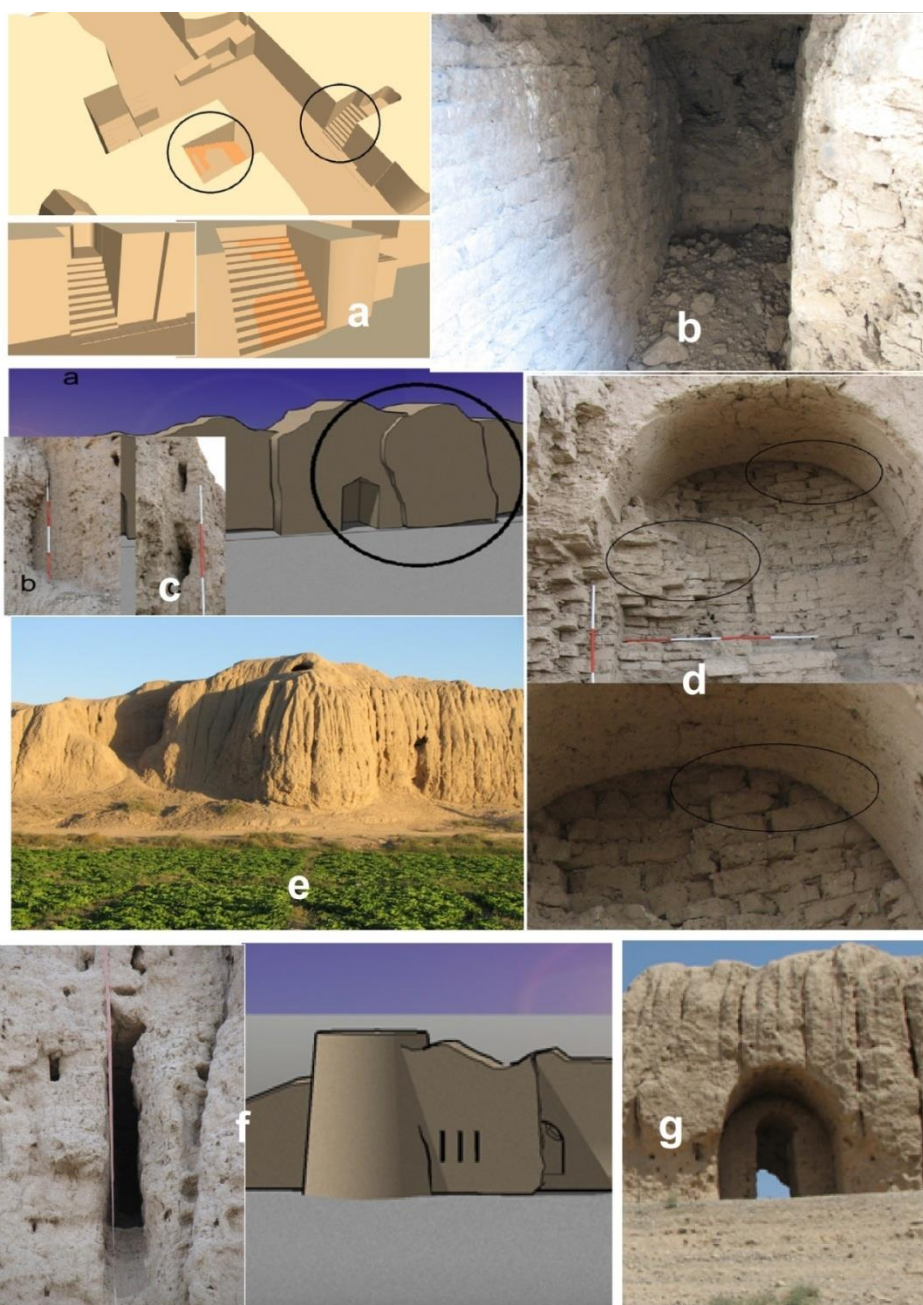
تصویر ۱: (a) موقعیت جغرافیایی قلعه ایرج، نسبت به شهر ورامین (Google Earth); (b) دورنمایی از محدوده فئات‌های قلعه ایرج و عدم امتداد آنها در بیرون از حصار (Google Earth); (c) کف استقرار کشف‌شده در فضای داخلی بخش شمال غربی محوطه (تصویر از نگارندگان); (d) بخش چینه‌ای حصار در ضلع جنوب شرقی که مستقیماً بر روی خاک سطحی محوطه قرار گرفته است (تصویر از نگارندگان); (e) بخش چینه‌ای و خشتی ضلع جنوب شرقی حصار و بازسازی آنها (تصویر و بازسازی از نگارندگان).



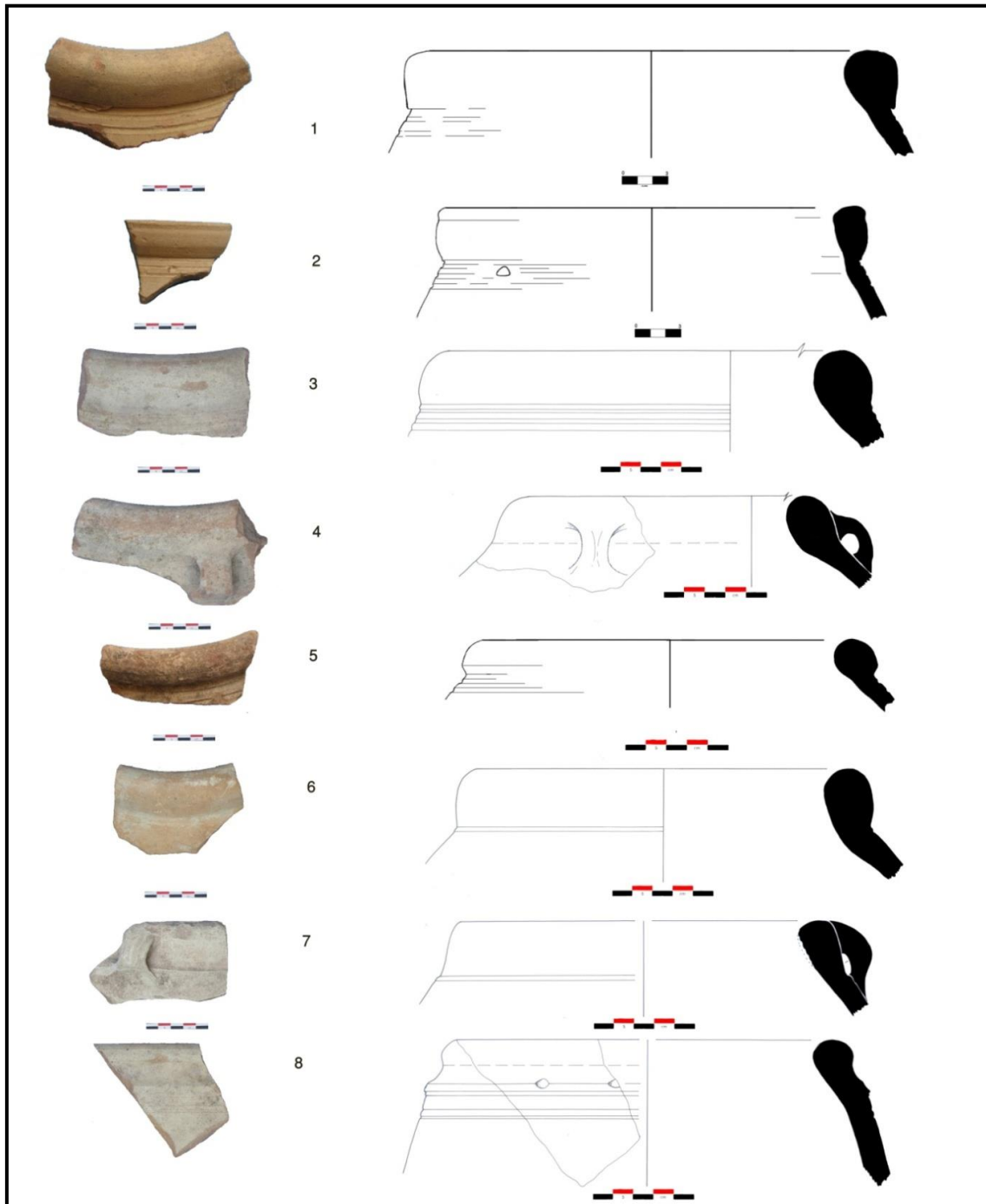


تصویر ۲: (a) بقایای اتاق‌های داخل حصار در ضلع جنوب غربی (تصویر از نگارندگان)؛ (b) بقایای اتاق‌های داخل حصار در ضلع جنوب شرقی (تصویر از نگارندگان)؛ (c) بقایای اتاق‌های داخل حصار در ضلع شمال غربی (تصویر از نگارندگان)؛ (d) بازسازی راهرو سرتاسری و ارتباط آن با اتاق‌های داخل حصار و برج‌های بیرونی (بازسازی از نگارندگان).





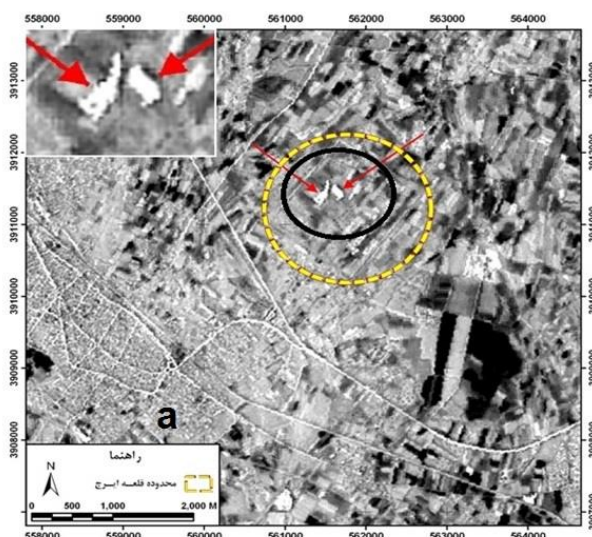
تصویر ۳: (a) بازسازی دو رشته پلکان دروازه جنوب شرقی متصل به راهرو سرتاسری حصار (بازسازی از نگارندگان)؛ (b) پرشدگی راهرو سرتاسری حصار در ضلع جنوب غربی (تصویر از نگارندگان)؛ (c) دیوار سرتاسری بیرونی به منظور استحکام بخشی در ضلع جنوب شرقی و جنوب غربی حصار و بازسازی آن (تصویر و بازسازی از نگارندگان)؛ (d) طاق‌های پرشده حصار در ضلع جنوب شرقی که خود باعث پرشدگی راهرو سرتاسری نیز شده‌اند (تصویر از نگارندگان)؛ (e) برج‌های پرشده حصار در ضلع شمال غربی و بقایای ورودی به آنها قبل از پرشدگی (تصویر از نگارندگان)؛ (f) تیرکش ضلع جنوب شرقی بیرون حصار در دیوار سرتاسری ایجادشده در آخرین مراحل استقراری و طاق‌های پرشده (تصویر و بازسازی از نگارندگان)؛ (g) بقایای مزغلی از ضلع جنوب شرقی که در برخی از طاق‌های بیرون حصار، در آخرین مراحل استقراری ایجادشده‌اند (تصویر از نگارندگان).



تصویر ۴: قطعه سفال‌هایی از دوره ساسانی و طراحی آنها (تصویر و طراحی از نگارندگان)

جدول ۱: جدول سفال‌های ساسانی یافت شده در محوطه و دروازه جنوب شرقی

شماره	توصیف سفال	مقایسه
۱	لبه، خمیره قرمز، ماده چسباننده شن و ماسه، چرخ‌ساز، پخت مناسب، ضخامت خشن، مقطع یکدست، پوشش رقیق نخودی، تزئین کنده شیاری، کشف در گمانه TIN 1 در درون محوطه.	Keall & Keall, 1981: fig 8: 10-11
۲	لبه، خمیره قرمز، ماده چسباننده شن و ماسه، چرخ‌ساز، پخت مناسب، ضخامت متوسط، مقطع یکدست، پوشش رقیق نخودی، کشف در گمانه TIN 5 در درون محوطه.	رهبر، ۱۳۷۹: طرح ۱۵ و ۲۳؛ Keall & Keall, 1981: fig 8: 1
۳	لبه، خمیره قرمز، ماده چسباننده شن و ماسه، چرخ‌ساز، پخت مناسب، ضخامت متوسط، مقطع یکدست، پوشش رقیق نخودی، تزئین شیاری، کشف در اولین فاز استقرار دروازه جنوب شرقی در ترانسه BZ 132	Kleiss 1987: abb 5: 1
۴	لبه، خمیره قرمز، ماده چسباننده شن و ماسه، چرخ‌ساز، پخت مناسب، ضخامت خشن، مقطع یکدست، پوشش رقیق نخودی، کشف در اولین فاز استقرار دروازه جنوب شرقی در ترانسه CA 131	Keall & Keall, 1981: fig 8: 11
۵	لبه، خمیره قرمز، ماده چسباننده شن و ماسه، چرخ‌ساز، پخت مناسب، ضخامت متوسط، مقطع یکدست، پوشش رقیق نخودی، تزئین کنده، کشف در دومین فاز استقرار دروازه جنوب شرقی در ترانسه BZ 131	Keall and Keall, 1981: fig 17: 18-19
۶	لبه، خمیره قرمز، ماده چسباننده شن و ماسه، چرخ‌ساز، پخت مناسب، ضخامت متوسط، مقطع یکدست، پوشش رقیق قرمز، تزئین شیاری کنده، کشف در دومین فاز استقرار دروازه جنوب شرقی در ترانسه BZ 131	تاج‌بخش و آذرنوش، ۱۳۹۲: تصویر ۱: ۲، خسروی و رشو ۱۳۹۱: ۹۳۹، طرح ۴؛ رهبر، ۱۳۷۹: طرح ۲۳
۷	لبه، خمیره نخودی، ماده چسباننده شن و ماسه، چرخ‌ساز، پخت مناسب، ضخامت متوسط، مقطع یکدست، پوشش رقیق نخودی، تزئین شیاری، کشف در سومین فاز استقرار دروازه جنوب شرقی در ترانسه BZ 131	رهبر، ۱۳۷۹: طرح ۷ و ۱۸
۸	لبه، خمیره قرمز، ماده چسباننده شن و ماسه، چرخ‌ساز، پخت مناسب، ضخامت متوسط، مقطع یکدست، پوشش رقیق نخودی، تزئین کنده، کشف در سومین فاز استقرار دروازه جنوب شرقی در ترانسه BZ 131	رهبر، ۱۳۷۹: طرح ۱۰ و ۲۹؛ Keall & Keall, 1981: fig 9: 38



تصویر ۵: نسبت طیفی باندهای ۴ به ۳ در تصویر ASTER جهت بازسازی بقایای آثار معماری درون محوطه و کشف احتمالی برخی از بقایای معماری در بخش شمال غربی (تصویر از نگارندگان)

## منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۶۳)، *تاریخ ابن خلدون*، ج اول، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- اسکندری، سیامک (۱۳۸۵)، «بازشناسی کالبدی قلعه ایرج ورامین»، *سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران*، ارگ بم کرمان، جلد چهارم، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (پژوهشگاه)، صص ۷۱-۱۰۹.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۱۱)، *تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران*، ضمیمه جلد سوم کتاب *درالتیجان فی تاریخ بنی‌الاشکان*، تهران، چاپ سنگی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۶۷)، *مرآة البلدان*، ج اول، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، دانشگاه تهران.
- اوستن، هنینگ فون و هانس رودلف نومان (۱۳۷۳)، *تخت سلیمان*، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران، سازمان میراث فرهنگی.

- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۴)، *فتوح البلدان*، ترجمه دکتر آذرتاش آذرنوش، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- بلعمی، محمد بن محمد (۱۳۷۸)، *تاریخ‌نامه طبری (تاریخ بلعمی)*، جلد دوم، تهران، سروش.
- پیرنیا، حسن (۱۳۷۵)، *تاریخ ایران باستان*، جلد سوم، تهران، دنیای کتاب.
- جواهر کلام، عبدالعزیز (۱۳۲۵)، *تاریخ تهران، جزء اول: تا پایان عصر ناصرالدین‌شاه قاجار*، تهران، بی‌نا.
- خسروی، شکوه و اصغر رشنو (۱۳۹۱)، *گزارش کاوش اضطراری تپه پلنگ گرد شهرستان اسلام‌آباد غرب، کرمانشاه*، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان کرمانشاه (منتشر نشده).
- خلعتبری، محمدرضا (۱۳۸۰)، *گزارش بررسی شهرستان ورامین، آرشیو سازمان میراث فرهنگی استان تهران* (منتشر نشده).
- دینوری، احمد بن داود (۱۳۷۱)، *اخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.
- دیولافوا، مادام ژان (۱۳۷۶)، *ایران، کلد و شوش*، ترجمه همایون فره‌وشی، تهران، دنیای کتاب.
- رحیمی‌فر، مهناز (۱۳۸۵)، «بررسی برجسب‌های گلی خورهه محلات»، *باستان‌شناسی*، سال دوم، شماره ۳، صص ۶۸-۷۳.
- رهبر، مهدی (۱۳۷۹)، *فصل اول کاوش‌های باستان‌شناسی آتشکوه، آرشیو سازمان میراث فرهنگی استان مرکزی* (منتشر نشده).
- سرفراز، علی‌اکبر؛ احمد چایچی امیرخیز؛ محمدرضا سعیدی (۱۳۹۳)، *شهر باستانی بیشاپور، تهران*، سمت.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲)، *تاریخ طبری*، جلد دوم، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
- علیخانی، الهه (۱۳۸۶)، «بررسی گل‌مهرهای به‌دست‌آمده از کاوش‌های محوطه قصر ابونصر»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر حکمت‌الله ملاصالحی، دانشگاه تهران*، گروه باستان‌شناسی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، *شاهنامه*، به کوشش مهدی قریب، تهران، دوستان.
- فرزین، افشین (۱۳۸۱)، *پروژه مستندسازی قلعه ایرج ورامین، آرشیو سازمان میراث فرهنگی کشور* (منتشر نشده).
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، علمی فرهنگی.
- گردیزی، ابوسعید (۱۳۶۳)، *زین الاخبار*، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب.
- گوبل، روبرت (۱۳۸۴)، *گل‌مهرهای تخت سلیمان، جستاری در مهرشناسی اواخر ساسانی*، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور.
- محمدی‌فر، محمد؛ جواد نیستانی؛ مهدی موسوی کوهپر و علیرضا هژبری نوبری (۱۳۹۰)، «مطالعه گونه‌شناسی عناصر و اجزای معماری ایران در دوره ساسانی»، *نامه باستان‌شناسی*، دوره اول، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۴.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۶۱)، *تاریخ گزیده*، به کوشش گای لسترنج، تهران، دنیای کتاب.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۰)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی.
- نعمتی، محمدرضا (۱۳۹۴)، *گزارش دو فصل کاوش در قلعه ایرج ورامین، آرشیو سازمان میراث فرهنگی استان تهران* (منتشر نشده).
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۷۱)، *تاریخ یعقوبی*، ج اول، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، علمی فرهنگی.
- Huff, D. 1987. Architecture II, Sassanian period, *Encyclopaedia Iranica*, Vol II, Routledge & Kegan Paul, London and New York, pp. 329-334.
- Keall, E., Keall M., 1981. The Qaleh Yazdigird pottery: A statistical Approach, *Iran*, Vol. 19. Pp: 33-80.
- Kleiss, W. 1987. Qaleh Gabri bei Veramin, *AMI (Archaeologische Mitteilungen aus Iran)*, band 20, pp. 289-308.
- Kleiss, W., 1987, Čal Tarkhan südöstlich von Rey”, *AMI (Archaeologische Mitteilungen aus Iran)*, band 20, pp. 309-318.
- Matheson, S., 2001. *Persia, an archaeological guide*, Yassavoli Publications, Tehran.
- Pezard, G., and Bondoux, G. 1911. Misson de Tehran, *memoires de la mission archeologique en Perse (MDP)*, XII. pp. 51-64.
- Pope. A. U., 1933. A Sasanian garden palace, *The Art Bulletin*, Vol. 15, No. 1, pp. 75-85.
- Reuther, Oscar, 1939. Sasanian architecture, in: UphamPope (ed.), *a survey of Persian art*, Vol. (2), Oxford University Prss, pp. 493-578.